



مناظره عالم سنی لبنانی با وهابیون در حرم پیامبر ﷺ

در باره توسل و تبرک به ضریح حضرت

شیخ جمیل حلیم الحسینی

 @seratehagh11

در روز جمعه مشغول وداع با قبر پیامبر گرامی اسلام
صلی الله علیه وآله وسلم بودیم می خواستیم به سوی مکه برویم. هزاران نفر
دور هم جمع شده بودند مسجد نبوی و صحن ها پر از مردم بود. به
روبه روی قبر پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم رسیدیم سلام دادیم و
می خواستیم از مسجد خارج شویم جمعیت زیاد بود و ترافیک شده بود.
از شدت ازدحام به سختی و يك نفر يك نفر حرکت می کردیم. زمانی
که ما می خواستیم خارج شویم، شخصی که خدا می داند، شاید عراقی یا
سوری بود، چون قیافه و لباسش به آنها شبیه بود، رفت و دستش را
روی شبکه فولاد قبر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گذاشت. نگهبان به
سوی او هجوم برد. یعنی آن مأموری که در آنجا ایستاده بود، به او
حمله کرد. در جلوی جمع او را مشرک خطاب کرد و گفت: این کار
حرام است و کفر محسوب می شود.

آیا داری آهن را عبادت می‌کنی؟

من ایستادم، دیگران نیز ایستادند.

با خودم گفتم چه‌طور ساکت باشم و به راه خود ادامه دهم در حالی که این سرباز، يك مسلمان، و تمام مسلمانانی را که قائل به تبرک هستند، در روز روشن جلوی مردم تکفیر می‌کند. چه‌طور سکوت پیشه کنم؟!

به سوی نگهبان رفتم و گفتم آیا از قرآن چیزی می‌دانی؟ گفت: بله!

گفتم: آیا سوره یوسف را می‌دانی؟ گفت: بله!

گفتم: آیا این سوره را خوانده‌ای؟ گفت: بله!

گفتم: آیا در سوره یوسف، زمانی که خداوند می‌خواست از حضرت یوسف خبر دهد، این‌طور نیامده است که: «این پیراهن مرا ببرید و آن را بر چهره پدرم بیفکنید».

تا آنجا که می‌گوید: «و هنگامی که مژده‌رسان آمد، پیراهن را بر چهره یعقوب افکند و او بینا شد».

گفت: بله، درست است. گفتم: پس چرا تو می‌گویی این کار شرك است، در حالی که انبیاء این کار را انجام داده‌اند. در این هنگام سردرگم شد. دید که من از پیامبران و قرآن دلیل آورده‌ام و مردم هم دارند به حرف‌های ما گوش می‌دهند. در آن هنگام مردم همه داشتند تماشا می‌کردند و به سخنان ما گوش می‌دادند تعداد آن‌ها کم‌کم زیاد شد و به هشت نفر رسیدند و در بالاسر قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داشتیم مناظره می‌کردیم.

من می‌گفتم که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این سخن را گفت و آن‌ها می‌گفتند: که امام احمد بن حنبل این‌طور گفته است. و آن‌ها هیچ جوابی برای اشکال من نداشتند.

گفتم: با کتاب «العلل والمعرفة الرجال» اثر امام احمد بن حنبل آشنایی دارید؟ گفتند: بله! گفتم: در جزء دوم این کتاب، زمانی که عبدالله پسر احمد بن حنبل از او سؤال می‌پرسد، چه جوابی داده است؟ عبدالله از پدرش احمد بن حنبل می‌پرسد: که نظرات درباره این که فردی منبر و قبر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را لمس کند چیست؟ و همچنین آیا می‌توان با نیت تقرب به سوی خدا آن را بوسید؟ امام احمد بن حنبل در جواب گفت: هیچ اشکالی ندارد. این نظر امام احمد است. این شما هستید که به احمد بن حنبل چیز دروغی را نسبت می‌دهید. آیا شما امام احمد بن حنبل را می‌شناسید؟ در روایتی از او نقل شده است که این کار سنت است و اشکالی ندارد. این نظر امام احمد بن حنبل است. سرانجام در جواب به من چه گفت؟! گفت: بفرمایید برویم کتابخانه تا در آنجا باهم صحبت کنیم.

گفتم: می‌دانم که می‌خواهید به کتابخانه بیایم تا از دست مردم فرار کنید. من با تو صحبت می‌کنم تا مردم بشنوند زیرا تو مسلمان را تکفیر کردی. تمام مسلمانانی را که تبرک می‌جویند را تکفیر کردید و بدانید که هیچ دلیلی برای این کار ندارید. رهبر آنها که شاید از روی دوربین‌ها متوجه قضیه شده بود، آمد. او فردی بسیار درشت‌هیکل بود و يك دستگاه بی‌سیم نیز همراهش بود. به من گفت: ای شیخ! قضیه چیست؟ گفتم این شخص، این حرف را زده است و مسلمانان را تکفیر کرده است در حالی که قرآن خلاف این را می‌گوید. در این هنگام او آن سرباز و آن شخصی که در ابتدا با من داشت مناظره می‌کرد را توبیخ کرد. و در حالی که در ابتدا گمان می‌کرد در مناظره پیروز می‌شود، گفت: تو گفتی که بر دین یعقوب و یوسف، این داستان شفای چشم، رخ داده بود؟ گفتم: بله!

این داستان در این آیه و این سوره موجود است. گفت: این [تبرک]
درمورد شریعت‌های قبل از اسلام است.

گفتم: ای مردم، گوش کنید؛ این فرد دارد می‌گوید که این کار شرك
است و بعد می‌گوید که این کار مربوط به شرع قبل از اسلام است.
بدانید که شرك هیچ‌وقت بر هیچ‌يك از انبیای الهی تشریع نشده است.
در جواب من کاملاً عاجز ماند و هیچ جوابی نداشت. مردم شروع
کردند به تکبیر گفتن.

مردم شروع به تکبیر کردند و به او گفتند: ای کافر و او را تکفیر
کردند. به او گفتند: که نباید دیگران را مشرك خطاب کنی. من به او
گفتم: که تو چه‌طور می‌توانی این فرد را تکفیر کنی؟

گفت: آن‌ها دارند آه‌ن را عبادت می‌کنند.

گفتم: دروغ می‌گویی.

او آهن را عبادت نمی‌کند؛ بلکه خدا را عبادت می‌کند.

گفتم: آیا زمانی که مریض می‌شوی به دکتر نمی‌روی؟

آیا از دارو استفاده نمی‌کنی؟

آیا [تو با این کار] دارو را عبادت می‌کنی؟

آیا داری دکتر را عبادت می‌کنی؟

گفت: نه! این‌ها همه اسباب هستند.

گفتم: بله این سبب است و خدا شفا می‌دهد و این کار [مسح ضریح

پیامبر] نیز سبب است و خداوند برکت را خلق می‌کند.

این است عقیده اهل سنت.



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir